



## درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: اصول عملیه

تاریخ: ۲۰ بهمن ۱۴۰۴

مصادف با: ۲۰ شعبان ۱۴۴۷

موضوع جزئی: اصل برائت - ادله برائت - دلیل دوم: روایات - روایت اول: حدیث رفع - بررسی دلالتی حدیث رفع -

۲. «ما» موصوله - مطلب هفتم: بررسی شمول حدیث رفع نسبت به حکم تکلیفی ضمنی کلام محقق نائینی - صورت اول

- صورت دوم - صورت سوم - دستاوردها و کاستی های انقلاب اسلامی پس از نیم قرن

سال هفدهم

جلسه: ۸۸

## «الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### خلاصه جلسه گذشته

در مطلب هفتم که به قلمرو حدیث رفع اختصاص داشت، بحث بر سر این بود که آیا حدیث رفع، شامل تکالیف ضمنی نیز می شود یا خیر؟ در این زمینه دو دیدگاه نقل شد و به طور اجمالی مورد بررسی قرار گرفت. روشن گردید که حدیث رفع همان گونه که می تواند تکالیف استقلالی را رفع کند، تکالیف ضمنی را نیز می تواند رفع نماید.

### کلام محقق نائینی

در ادامه این مبحث، که به جنبه دیگری از احکام تکلیفی بازمی گردد، محقق نائینی مطلبی دارند که مناسب است ذکر شود. بعد می بایست به ابعاد دیگر وارد شویم؛ از جمله اینکه آیا حدیث رفع، احکام وضعی را نیز شامل می شود یا خیر و آیا مستحبات را دربرمی گیرد یا نه؟

تقسیم اول: محقق نائینی می فرمایند: تکالیف استقلالی خود بر دو قسم هستند:

دسته ای از تکالیف استقلالی به نحو «صرف الوجود» می باشند و دسته ای به نحو «مطلق الوجود». منظور از تعلق تکلیف به نحو صرف الوجود، چیزی مانند «عام بدلی» یا «اطلاق بدلی» است. به عنوان مثال، هنگامی که گفته می شود: «أَكْرِمَ عَالِمًا»، با اکرام یک عالم، این تکلیف امتثال شده است و دیگر فرد دوم و سوم برای آن وجود ندارد. این تعلق تکلیف به نحو صرف الوجود است، اگرچه تکلیفی استقلالی است، اما به صورت صرف الوجود به یک عمل خاص تعلق گرفته است. مواردی مانند عام بدلی و اطلاق بدلی از این قبیل باشند.

گاهی تعلق تکلیف به نحو «عام استغراقی» است که از آن به «مطلق الوجود» تعبیر می شود. طبق مبنا و نظر مشهور، عام استغراقی به عدد افراد عام انحلال می یابد؛ یعنی گویی ما تکالیف و احکام متعددی داریم، مانند «أَكْرِمَ الْعُلَمَاءَ». در اینجا تعلق تکلیف به نحو مطلق الوجود است و همه افراد می بایست اکرام شوند.

حال پرسش این است که آیا حدیث رفع هر دو قسم را برمی دارد یا خیر؟

تقسیم دوم: ایشان تقسیم دیگری نیز در ذیل همین تکالیف استقلالی ذکر می کنند و آن این که گاهی مخاطب حکم غیر از فاعل حکم است و گاهی فاعل حکم است. در برخی موارد این دو بر یکدیگر منطبق هستند و در برخی موارد از هم تفکیک می شوند. به عنوان مثال، هنگامی که گفته می شود: «لَا تَشْرَبِ الْخَمْرَ»، در اینجا مخاطب و فاعل یکی هستند؛ یعنی همان کسی که خطاب

شده، به عنوان فاعل یا تارک حکم شناخته می‌شود. گاهی مخاطب حکم غیر از فاعل است، مثلاً هنگامی که گفته می‌شود: اگر کسی شرب خمر نمود، بر او حد جاری کن. در اینجا، جاری کردن حد منوط به ارتکاب فعل از سوی دیگری است؛ یعنی اجرای حد متوجه قاضی یا حاکم شرع می‌باشد، در حالی که شخصی که شرب خمر کرده، فرد دیگری است. ایشان با توجه به این اقسامی که برای تکالیف استقلالی ذکر کرده‌اند، حکم هر یک را بیان کرده و می‌فرمایند:

### صورت اول

اگر حکمی به لحاظ مطلق الوجود باشد و مخاطب حکم، فاعل نیز باشد مانند «لَا تَشْرَبِ الْخَمْرَ»؛ قهراً با توجه به اینکه تکلیف انحلالی است و به تعداد افراد منحل می‌شود و به مصادیق متعدد خمر تعدد می‌یابد، به این شخص گفته می‌شود: «لَا تَشْرَبِ الْخَمْرَ»، اما این نهی شامل همه مصادیق خمر است.

در این صورت، اگر شخصی بر شرب خمر مکره شود، یا مضطر به شرب خمر گردد، یا فراموش کند که این مایع، خمر است، این قطعاً مشمول حدیث رفع می‌باشد. حدیث رفع، آثار چنین شرب خمری را برمی‌دارد. معنایش این است که گویی حرمت برداشته می‌شود و مانند آن است که اصلاً چنین کاری از او صادر نشده است.

### صورت دوم

اگر تکلیف به نحو «صرف الوجود» تعلق گرفته باشد مانند عام بدلی و موارد مشابه، دو دسته اثر دارد: گاهی اثری است که رفع آن مطابق با امتنان است، و گاهی رفع آن مطابق با امتنان نیست.

در جایی که اثر از آثاری باشد که رفع آن مطابق با امتنان نباشد، حدیث رفع جریان ندارد؛ به عنوان مثال، اگر فرض کنیم شخصی نذر کرده باشد که عالم خاصی را اکرام کند و سپس بر اکرام آن عالم، مکره شود، آیا می‌توان گفت که به نذر خود وفا کرده است؟ اگر حدیث رفع جاری شود، این شخص عمل به نذر نکرده است، زیرا این اکرام او، در واقع عدم اکرام است. اگر در اینجا بگوییم حدیث رفع جاری است، معنایش این است که اکرام این شخص، اصلاً محقق نشده است و لذا باید فرد دیگری را اکرام کند. اما خود این لزوم اکرام مجدد، بر خلاف امتنان است. بنابراین، اگر در اینجا حدیث رفع بخواهد جاری شود، بر خلاف امتنان خواهد بود و لذا جاری نمی‌شود.

سوال:

استاد: ما دو مسئله داریم: یکی اینکه آیا حدیث رفع در اینجا جاری می‌شود یا نه، و دیگری اینکه اصلاً خود این عمل، صرف نظر از جریان حدیث رفع، آیا می‌تواند قصد قربت در آن تحقق یابد؟ بله، می‌تواند متوجه شود. کسی که مضطر است نمی‌تواند قصد قربت کند؟ چرا کسی که مکره است نمی‌تواند قصد قربت کند؟

### صورت سوم

صورت سوم صورتی است که حکم به نحو «صرف الوجود» تعلق گرفته باشد، مانند حکمی که به نحو عام بدلی یا اطلاق بدلی ثابت شده است، اما رفع اثر آن مطابق با امتنان باشد. بر خلاف صورت قبلی؛ مثلاً کسی که نذر کرده است شخص خاصی را اکرام نکند؛ اگر وادار به اکرام همان شخص خاص شود، در اینجا حدیث رفع جاری می‌شود. چرا؟ زیرا اثر آن این است که این شخص دیگر نه نذر خود را شکسته و نه کفاره بر عهده دارد. اگر حدیث رفع جاری نشود، این دو اثر بر دوش او بار می‌شود. لذا در این موارد، حدیث رفع جاری نمی‌شود.

از آنجا که این تفصیل را محقق نائینی در ذیل تکالیف استقلالی ذکر کرده بودند، ما نیز به آن اشاره کردیم. حال در ادامه بحث، می‌بایست بررسی کنیم که آیا حدیث رفع شامل مستحبات می‌شود یا نه؟ پس از آن که پرونده احکام تکلیفی را بستیم، آن‌گاه به سراغ احکام وضعی برویم که آیا شامل احکام وضعی نیز می‌شود یا خیر؟

### **دستاوردها و کاستی‌های انقلاب پس از نیم قرن**

بحث از دست‌آوردهای انقلاب یک بحث واقعاً مهمی است؛ از این جهت که ما در آستانه نیم قرن پس از انقلاب قرار داریم. هم می‌خواهیم از دستاوردهای انقلاب سخن بگوییم و هم کاستی‌ها و آسیب‌ها را بیان کنیم. این موضوعی است که در یک ربع یا بیست دقیقه نمی‌توان به طور کامل به آن پرداخت. اما ما هرساله در این ایام، یادآوری می‌کنیم آن روزهای ارزشمند و باشکوه پیروزی انقلاب اسلامی ایران را. شاید در این جمع، برخی آن ایام را به خاطر نداشته باشند، و البته عده‌ای نیز به یاد دارند که آن روزها با چه امید و با چه شور و نشاطی، مردم به رهبری امام راحل (رحمة الله علیه)، یکپارچه و همدل، بساط ظلم ستمشاهی را از میان بردند و انقلاب اسلامی ایران به پیروزی رسید.

### **الف. دستاوردها**

اگر بخواهم دستاوردهای انقلاب را با نگاهی راهبردی بیان کنم، می‌توانم به چند دستاورد مهم اشاره کنم. این نگاه باید با ملاحظه سیر تاریخی فقه شیعه و گذشته‌ای که طی صدها سال تا به امروز پیموده است، باشد. لذا سطح این بررسی را نباید تا حد برخی عوارض و مشکلاتی که در زندگی روزمره با آن‌ها مواجه هستیم تنزل داد؛ چرا که آن، ماجرای دیگری دارد.

#### **۱. احیای دین در عرصه عمومی**

یکی از مهم‌ترین دستاوردها، احیای دین در عرصه عمومی و سیاسی و اجتماع است. این مسئله، امر کوچکی نیست. بنیان دین و هویت دینی، از سیاست و اجتماع و امور عمومی مردم جدا نیست. هیچ‌کس نمی‌تواند ادعا کند که هویت دین، غیرسیاسی است. اصلاً کسی که چنین ادعایی نماید، مشخص است که نه دین را فهمیده و نه سیاست را. در طول سال‌ها یا حتی قرن‌ها، توهم عدم لزوم حضور دین در عرصه عمومی، اجتماعی و سیاسی، بر اذهان حتی اغلب روحانیون نیز حاکم بود. انقلاب اسلامی ایران، این امر را احیا نمود. دین را از حاشیه فردی و انزوا و از محیط عبادات شخصی، به یک عنصر فعال و پویا در اجتماع تبدیل کرد.

به یاد دارم در یکی از کشورهای آفریقایی که شاید سابقه اسلام در آنجا صفر بود، افرادی را دیدم که گرایش خود به اسلام و تشیع را مرهون انقلاب اسلامی ایران و شخص امام خمینی (ره) می‌دانستند و می‌دانند. همین حضور پررنگ و داعیه‌دار مکتب اهل بیت (ع) در عرصه مهم سیاست و جامعه، آن هم در زمانی که دین به عنوان عامل عقب‌ماندگی جامعه معرفی می‌شد، دستاورد بزرگی بود. این‌ها سرمایه‌هایی هستند که می‌بایست حفظ و تقویت شوند. حال اینکه تا چه اندازه توانسته‌ایم این سرمایه‌ها را حفظ کنیم، بحث دیگری است. من این سخنان را بدون هیچ تعصب و تنها با توجه به واقعیات عرض می‌کنم، بازگشت دین به زندگی اجتماعی و سیاسی، آن هم در دنیایی که تلاشش بر حذف دین از این عرصه‌ها بود، یک رخداد تمدنی است.

#### **۲. استقلال و نفی سلطه**

دستاورد دوم، نفی سلطه و استقلال سیاسی است. به حق، انقلاب اسلامی موجب قطع وابستگی ساختاری به قدرت‌های خارجی

در این کشور شد. ما به خاطر داریم و شما نیز حتماً می‌دانید (به برخی کتاب‌های تاریخی و خاطراتی که در این زمینه نوشته شده مراجعه بفرمایید) که تصمیمات کلان این کشور، بدون اجازه بلوک غرب و آمریکا اتخاذ نمی‌شد. اصلاً در دنیا، همین امروز نیز اغلب تصمیم‌سازی‌های کلان، تابعی از اجازه بلوک‌های قدرت جهانی و در رأس آن‌ها آمریکا است. اکنون نیز می‌بینید که این فرد پرمدعا، همه دنیا را همچون شرکت تجاری خود فرض کرده و گمان می‌برد که همه کشورها مانند کارمندان او هستند؛ باید به همه امر و نهی کند و اگر کسی از فرمان او سرپیچی نماید، می‌بایست اخراج شود. این مسئله مهمی است. استقلال سیاسی، با همه مشکلات موجود در کشور، در تمام سال‌های پس از انقلاب، با قوت و قدرت حفظ شده و این هم امر کوچکی نیست. این یکی از ارکان هویت ملی، هویت دینی و هویت انقلابی ماست.

### **۳. احیای خودباوری**

دستاورد سوم اینکه انقلاب اسلامی ایران، باور به خود و باور به توانایی‌ها و توانمندی‌های ملت را در میان مردم زنده کرد. ملاحظه بفرمایید که در ابعاد مختلف، ملتی که شاید محال می‌پنداشت در عرصه‌های مختلف علمی و فناوری‌های روز بتواند پیشگام و پیشتاز باشد، امروز به این مرحله رسیده است. ما به جهت معاصرت و درگیری با مسائل روزمره، گرفتار حجاب هستیم و گاهی متوجه این دستاوردها نمی‌شویم یا از آن غفلت می‌کنیم، اما این یک واقعیت است که در عرصه‌های مختلف علمی، شاهد برداشته شدن گام‌های بزرگ هستیم. در همین حوزه علمیه قم، پس از انقلاب اسلامی، تولید فکر و علم و دانش و اندیشه، به حد قابل توجهی رسیده است. هرچند هنوز با ایده‌آل‌ها فاصله داریم، اما واقعیت این است که این همه عالم و دانشمند و پژوهشگر در عرصه‌ها و زمینه‌های مختلف، مشغول کار و پژوهش و تحقیق هستند. این همه آثار علمی در همین حوزه علمیه قم، تولید شده است. گاهی در نمایشگاه‌هایی برپا می‌شود که انسان وقتی در آن‌ها، توانمندی‌های علمی مجموعه پژوهشگران و حوزه را می‌بیند به آینده امیدوار می‌شود.

### **۴. احیای اندیشه مقاومت و ایستادگی در برابر ظلم**

چهارم اینکه، اندیشه مقاومت و ایستادگی در برابر ظلم و ستم، تفکر نه گفتن در برابر قلدان و زورگویان و باور به لزوم دفاع در مقابل تجاوزها و زیاده‌خواهی‌های دشمنان اسلام، استکبار جهانی، آمریکا و رژیم صهیونیستی، احیا شده است. به هر حال در منطقه خاورمیانه این تفکر، امروز به درختی تنومند تبدیل شده است. ممکن است در مقاطعی، همچون زمان حاضر، ضربات نظامی، لجستیکی یا آسیب‌های جانی و مالی به یک مجموعه، سازمان یا بخشی از امکانات آن وارد شود، اما این تفکر و اندیشه، از بین رفتنی نیست. انقلاب اسلامی ایران الهام‌بخش این حرکت‌ها بوده و هست.

### **۵. نهاد سازی دینی**

دست آورد پنجم، نهادسازی دینی در ساختار حکومت است. آنچه را که به عنوان آرزو و آمال بود، در قالب یک ساختار حکومتی تعبیه شد. شریعت و احکام دینی، به نحوی در عرصه قانون‌گذاری، در عرصه قضاوت و در آموزش‌ها وارد شد. البته اشکالات زیادی وجود دارد؛ من نمی‌خواهم ادعا کنم که همه چیز اکنون اسلامی شده است، یا قانون‌گذاری ما صددرصد مطابق شرع است، یا آموزش و سایر شئون ما چنین است. اما نکته مهم این است که بالاخره با همان عقبه‌ای که هیچ زمینه قبلی نداشت و طبیعتاً با در نظر گرفتن آزمون و خطاهایی که در آغاز هر راهی وجود دارد، می‌توانیم از این ظرفیت‌ها و بسترها استفاده کنیم. این موارد، واقعاً از دستاوردهای مهم انقلاب اسلامی است که معتقدم تاکنون حفظ شده‌اند. بدون تردید این دستاوردها وجود دارد

و همه آنها سرمایه‌اند. اینکه تا چه اندازه توانسته‌ایم این‌ها را تقویت کنیم یا در کجاها این سرمایه‌ها آسیب دیده است، بحث دیگری است.

#### **ب. کاستی‌ها**

اما در ناحیه کاستی‌ها، ما کمبودهای زیادی داریم و در این امر شکی نیست. اگر کاستی‌ها را نبینیم، نتیجه این خواهد شد که این زخم‌ها بر پیکره جامعه، بستری را فراهم می‌کند تا حشرات موذی بر روی آن بنشینند و سبب زخم بیشتر و عفونت گسترده‌تر شوند. ما باید این زخم‌ها را کشف کنیم، درمان نماییم و مانع از آن شویم که حشرات موذی بر روی این زخم‌ها، باعث درد و رنج مردم ما گردند و خدای نکرده به اعتقادات مردم و انقلاب آسیب وارد کنند.

فاصله بین آرمان‌ها و واقعیت‌ها

کاستی‌های زیادی وجود دارد؛ به عنوان مثال، امروز بین آن آرمان‌ها و واقعیت‌ها فاصله زیادی وجود دارد. زمانی مقام معظم رهبری فرمودند که ما با آنچه که به عنوان عدالت علوی و حکومت علوی معرفی می‌گردد، فاصله زیادی داریم. مهم آن است که آن هدف را هرگز از یاد نبریم، آن مقصد را در نظر داشته باشیم و در این مسیر حرکت کنیم. عدالت اجتماعی و اقتصادی محقق نشده است، احساس تبعیض وجود دارد و بی‌عدالتی، رانت‌خواری و سوءاستفاده، مسائلی هستند که به نظام، به مردم، به اعتقادات مردم و به انقلاب آسیب می‌زنند و سرمایه اعتماد مردم را تضعیف می‌کنند. این موارد باید به طور اساسی و ریشه‌ای حل شوند. با اینکه این انقلاب و نظام جمهوری اسلامی، انصافاً کارهای زیادی انجام داده و خدمات فراوانی به مردم ارائه نموده است، اما بسیاری از مشکلات باقی مانده، هرچند خدمات کلی نیز باید در نظر گرفته شود؛ خدماتی که در طول این سال‌ها به روستاها و مناطق محروم ارائه شده است.

البته این نکته را نیز باید گفت که واقعاً یکی از موانع مهم بر سر راه پیشرفت و کارآمدی نظام، مشکلاتی بوده است که از بیرون برای ما ایجاد کرده‌اند. نمی‌خواهم همه مسائل را به گردن عوامل بیرونی بیندازم، اما باید بگویم که آنها سهم فراوانی در این مسئله داشته‌اند. در تمام این سال‌ها تحریم‌ها، تضيیقات، فشارها و محدودیت‌ها وجود داشته است که قهراً انرژی نظام را تضعیف کرده و مانع برنامه‌ریزی برای آینده می‌شود. ما نباید از این موضوع غافل شویم. این عوامل همواره درصد ضربه زدن بودند.

در همین قضایای اخیر نیز، من با اطلاع عرض می‌کنم که با تمام توان، سازمان‌های اطلاعاتی مهم دنیا همچون موساد، با هزینه‌های کلان و برنامه‌ریزی دقیق طی چند سال، برای براندازی به معنای واقعی کلمه تلاش کرده‌اند. این یک واقعیت است. هرچند قضایای تلخی پیش آمده، بالاخره افرادی کشته شده‌اند و خون‌هایی ریخته شده است، اما این‌ها همه، مستقیم یا غیرمستقیم، محصول برنامه‌ریزی توطئه‌گران بیرونی بوده است.

تفهم این مطلب در حال حاضر برای بسیاری ممکن است دشوار باشد، لیکن هنگامی که جزئیات برنامه‌ریزی‌های آنان آشکار گردد و این واقعیت که برخی کشورهای منطقه و همسایگان ما، اطلاعاتی را درباره این توطئه‌ها به ایران منتقل کرده‌اند، روشن شود، آن‌گاه درخواهیم یافت که چه نقشه‌هایی در کار بوده است. این حقیقتی است که نباید در این مسائل آن را از یاد ببریم. البته، مردم اعتراضاتی داشتند و حق هم داشتند، لیکن عمده ماجرا آن است که دشمنان این فضا را به سمتی کشاندند که چنین خساراتی ایجاد شود و تقریباً مطمئن بودند که کار را یکسره خواهند کرد. اکنون فرصت کافی برای بیان برخی جزئیات نیست.

به هر حال، نمی‌توان از این مسئله غافل ماند.

ما باید تا حد امکان آسیب‌ها را برطرف کنیم، کارآمدی را تقویت نماییم، نقاط ضعف را به قوت تبدیل کنیم، مشکلات اقتصادی مزمین را حل نماییم و سیاست‌گذاری‌های مقطعی و ناپایدار را به سیاست‌گذاری‌های پایدار تبدیل کنیم. باید به فکر معیشت مردم باشیم. این موارد در عرصه عمل، می‌بایست به جد توسط مسئولین دولت و نظام پیگیری شود.

از سوی دیگر، روحانیت، به ویژه در حوزه نظریه‌پردازی و مشخصاً نظریه‌پردازی فقهی، باید بیندیشد که تا حد امکان فقه را کارآمدتر سازد و آن را مطابق با نیازهای زمان، به‌روز نماید. ما باید با نسل جدید ارتباط بیشتری برقرار کنیم. نسل جدید شکاف‌هایی با نسل گذشته پیدا کرده، ولی باید این شکاف‌ها پر شود و اعتماد آنان جلب گردد. می‌توانیم با حفظ اصول انقلاب و اصلاح برخی روش‌ها، همه این مشکلات را برطرف نماییم. باید به صورت کارشناسانه، آسیب‌ها و ضعف‌ها را شناخت و در صدد اصلاح برخی روش‌ها برآمد، ضمن آنکه اصول حفظ گردد و از آنها کوتاه نیامد. با این رویکرد، می‌توانیم راه انقلاب را با قوت و قدرت ادامه دهیم. بیانیه گام دوم انقلاب در این راستا باید مورد توجه قرار گیرد.

همچنین لازم می‌دانم از امام بزرگوار، آن شخصیت عالی‌مقام، فقیه عارف، فیلسوف و حکیمی که انصافاً در طول تاریخ کم‌نظیر است، یاد کرده و او را گرامی بداریم و از آن روح بلند استمداد نماییم که بی‌تردید نگران ایران، ملت ایران، امت اسلامی و پیروان مکتب اهل بیت (ع) است. ان‌شاءالله دعا‌های آن بزرگوار از آن عالم شامل حال ما گردد، همان‌گونه که دعا‌های ذاکیه حضرت ولی عصر (عج) ان‌شاءالله شامل حال ما خواهد بود.

و این نکته را نیز عرض می‌کنم که راهپیمایی بیست و دوم بهمن از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. این راهپیمایی، مکمل راهپیمایی بیست و دوم دی ماه می‌باشد. اگر راهپیمایی بیست و دوم دی، نقشی اساسی در خنثی‌سازی برنامه و نقشه دشمنان داشت، راهپیمایی بیست و دوم بهمن نیز نقشی اساسی در خنثی‌سازی آخرین حلقه‌های اقدامات دشمن خواهد داشت. به صراحت و به اعتراف بسیاری از مسئولین کشورهای منطقه، عامل مؤثر و تعیین‌کننده در تصمیم‌گیری دشمنان و بازدارندگی آنان از برخی اقدامات خطرناک، همان راهپیمایی روز بیست و دوم دی ماه بود.

ممکن است در نگاه ما، این حضور چندان مهم به نظر نرسد، اما از دید ناظران و دشمنان، از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. راهپیمایی بیست و دوم بهمن امسال بی‌تردید می‌تواند بسیاری از نقشه‌های شوم را خنثی نماید. این راهپیمایی امنیت‌زا است و امنیت به معنای حقیقی کلمه را برای ایران و مردم ایجاد می‌کند و کشور و نظام را از خطرات مصون می‌دارد. ان‌شاءالله همگی به صورت گسترده در این راهپیمایی حضور خواهیم یافت.

«والحمد لله رب العالمین»